

خبر

نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی:

تردد در تنگه هرمز هرگز همانند پیش از جنگ نخواهد بود

علی نیکزاد نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی در جریان سفر اعضای کمیسیون عمران مجلس به استان هرمزگان و بازدید از تنگه هرمز، با تشریح طرح جامع مدیریت این آبراه راهبردی، از تحول بنیادین در قواعد تردد دریایی خبر داد.

وی با اشاره به تدوین طرح ۱۴‌بندی مدیریت تنگه هرمز اظهار داشت: براساس این طرح، کشتی‌های رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه اجازه عبور از تنگه هرمز را نخواهند داشت. کشتی‌های کشورهای متخاصم نیز اگر خسارت‌های جنگ تحمیلی را پرداخت نکنند، نمی‌توانند مجوز عبور دریافت کنند.

نیکزاد افزود: سایر کشتی‌ها نیز با توجه به قانونی که در مجلس شورای اسلامی تصویب خواهد شد، تنها با دریافت مجوز و اجازه جمهوری اسلامی ایران می‌توانند از تنگه هرمز عبور کنند.

نایب‌رئیس اول مجلس با تاکید بر رعایت ملاحظات بین‌المللی تصریح کرد: این قانون با توجه به قوانین بین‌المللی و حقوق همسایگان ما به تصویب خواهد رسید اما آنچه مسلم است این است که از حقوق حقه خود در تنگه هرمز نخواهیم گذشت و تردد شناورها در این آبراه، هرگز همانند پیش از جنگ تحمیلی سوم نخواهد بود.

نیکزاد در بخش دیگری از سخنان خود با تشبیهی تاریخی، اهمیت این تحول را تبیین کرد و گفت: مدیریت جدید ایران بر تنگه هرمز، همانند ملی شدن صنعت نفت در تاریخ معاصر ایران اهمیت دارد. این یک نقطه عطف راهبردی در اعمال حاکمیت ملی بر یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان است.

■ ■ ■

سازمان اطلاعات سپاه:

فضای تصمیم‌گیری آمریکا محدود شده است

سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ضرب‌الاجل ایران علیه محاصره به پنتاگون، تغییر لحن چین، روسیه و اروپا علیه واشنگتن، نامه انفعالی ترامپ به کنگره و پذیرش شروط مذاکراتی ایران یک معنا بیشتر ندارد؛ ترامپ باید بین «عملیات غیرممکن یا توافق بد با ج.ا.ایران» انتخاب کند.

این نهاد انقلابی در این پیام تصریح کرده است: فضای تصمیم‌گیری برای آمریکا محدود شده است.

یکی از موضوعات مهم دیدار آتی رؤسای جمهور آمریکا و چین مسأله تبعات اقدام خصمانه کاخ سفید علیه ایران است

سایه هرمز بر دیدار ترامپ-شی



آتش‌بسی که پس از جنگ ۴۰ روزه و در پی تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی بر پی بازسازی توان نظامی و ترمیم بازدارندگی آسیب‌دیده خود هستند.

در چنین شرایطی ورود چین به‌عنوان یک بازیگر فعال دیپلماتیک نشانه‌ای از تغییر تدریجی قواعد بازی است. یکن‌که تا سال‌های اخیر عمدتاً از ورود مستقیم به بحران‌های امنیتی غرب آسیا پرهیز می‌کرد، اکنون به دلیل وابستگی عمیق به انرژی این منطقه، ناگزیر از ایفای نقش فعال تر شده است.

در همین راستا چندی قبل نماینده چین در سازمان ملل اعلام کرد مسأله بحران در تنگه هرمز یکی از دستور کارهای مهم دیدار رؤسای آمریکا و چین خواهد بود. پیش از این نیز شی جین پینگ رئیس‌جمهور این کشور علناً خواستار پایان کامل جنگ و امنیت ورود و خروج به تنگه هرمز شده بود. شواهد نشان می‌دهد چین که بارها آمریکا را به دلیل حمله به ایران مذمت کرده با کارزار دزدی دریایی این کشور در دریای عمان مخالف است. در همین راستا وقتی آمریکا از تحریم‌های جدید علیه شرکت‌های چینی که با ایران همکاری می‌کنند خبر داد، یکن اعلام کرد این تحریم‌ها را رعایت نخواهد کرد و آنها را غیرقانونی و نقض حقوق بین‌الملل می‌داند.

■ تنش، پیش از بازآرایی قدرت‌ها

آتش‌بس کنونی را نمی‌توان به‌معنای پایان درگیری‌ها تلقی کرد. این آتش‌بس درواقع نوعی «وقفه عملیاتی» است که

■ یادداشت

کامران غضنفری نماینده مجلس شورای اسلامی

مدیریت مقتدرانه برای لغو تحریم‌ها

امروز آمریکایی‌ها امیدوارند آنچه را که نتوانسته‌اند در جنگ به دست بیاورند، از طریق فشارهای اقتصادی و ایجاد فضای روانی کسب کنند و در تلاشند تأثیر این فشارها را بر زنگنمای کنند اما همه این تلاش در مواجهه با واقعیت تحریم‌ناپذیری و تاب‌آوری بالای ایران قطعی‌ای اثری بالا قائل بسیار کم اثر خواهد شد

تجربه سال‌ها به‌ما نشان می‌دهد روش‌های جایگزین متعددی

تحریم‌ها تشدید شوند و ابعاد گسترده‌تری یابند.

در شرایط کنونی، ایران یک اهرم فشار قدرتمند در اختیار دارد: تنگه هرمز. سال‌ها از اهمیت این نقطه کلیدی غفلت شده بود اما شرایط جنگی به ما نشان داد می‌توانیم با تسلط بر این منطقه حساس، کشورهای سرکش و تروریست را سرچای خود بنشانیم و آنها را مجبور به تمکین کنیم. اگر درمقابل دشمنی که منطق آن ترور و دزدی دریایی و نسل‌کشی است، راهی برای مهار و برداشتن تحریم‌ها و رفع پایدار خطر جنگ باشد، از رهگذر چنین اقداماتی است.

بر این اساس، هر کشوری که خواهان عبور از تنگه هرمز باشد، ملزم به رعایت پیش‌شرط‌هایی خواهد بود. هرگونه مشارکت

■ یادداشت

علاءالدین بروجردی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

قدرت‌نمایی ضدآمریکایی چین به پشتوانه ایران قوی

جنگ رمضان درواقع تغییردهنده مناسبات جهانی است. به‌طور خاص در مورد نگاه چین به این داستان باید توجه داشت که موضوع‌گیری اخیر چین در حمایت از جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت و استفاده از حق وتو علیه قطعنامه ضدایرانی بحرین به‌خوبی نشان داد که یکن با حساسیت تمام مسائل منطقه را دنبال می‌کند و متوجه اهداف کلان آمریکا از جنگ رمضان در برهم زدن توان چین در غرب آسیاست. در همین ارتباط، جرم دانستن رعایت تحریم‌های نفت ایران توسط پالایشگاه‌های این کشور نشانه بسیار روشنی بود که یکن با جدیت در مقابل فشارهای آمریکا برای محاصره ایران ایستاده است و به واشنگتن اجازه نخواهد داد کاری را که با جنگ نتوانست پیش ببرد، از طریق اعمال فشار اقتصادی پیگیری کند.

درواقع این موضع‌گیری نشان‌دهنده ورود چین به مرحله جدیدی از نمایش قدرت جهانی در برابر آمریکای تضعیف‌شده است. یکن به‌خوبی می‌داند امروز آمریکا دیگر همان قدرت دیروز نیست. درواقع این درک چین از افول قدرت آمریکا در بستر قدرت‌نمایی ایران در طول دو جنگ اخیر تقویت شد. قوت ایران در پاسخ به آمریکا موجب شکاف در ناتو شد به‌گونه‌ای که کشورهای مهم ناتو همچون انگلیس، آلمان، فرانسه و ایتالیا علی‌رغم فراخوان

قرار دارد که می‌تواند به یک بازیگر اثرگذارتر در معادلات جهانی تبدیل شود. اشراف جغرافیایی ایران بر تنگه هرمز، به آن ظرفیتی داده که کمتر کشوری در جهان از آن برخوردار است. اما اهمیت ایران تنها به جغرافیا محدود نمی‌شود. تجربه مقاومت، توانمندی‌های منطقه‌ای و شبکه‌ای از پیوندتهای سیاسی و امنیتی، ایران را به یکی از ارکان معادلات غرب آسیا تبدیل کرده است. فرصت‌های ناشی از فشار روی اقتصاد جهان اکنون در برابر ایران است و دیپلمات‌های ایرانی به‌خوبی می‌توانند از آن استفاده کنند.

همکاری با چین در مهار تنش‌ها در منطقه و تبدیل آتش‌بس شکننده کنونی به یک معادله تضمین شده برای پایان جنگ، تداوم همکاری‌های اقتصادی با یکن--به‌ویژه در حوزه انرژی--با وجود فشارهای تحریمی و تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان وزنه‌ای مهم در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا و ورود به نظم جدید منطقه‌ای و جهانی از جمله این موارد هستند.

■ فراتر از بحران؛ ایران در مسیر نظم چندقطبی

تحولات جاری را باید در چارچوب یک تغییر بزرگ‌تر دید؛ حرکت تدریجی جهان به‌سوی نظامی که در آن قدرت میان چند قطب توزیع می‌شود. در این نظم، کشورهایی مانند چین و روسیه دنبال ایجاد توازن در برابر سلطه آمریکا هستند و ایران به‌عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه‌ای، جایگاهی ویژه در این راهبرد دارد.

عضویت ایران در بریکس و شانگهای نشانه‌ای از همین تغییر است. این سازوکارها، امکان همکاری اقتصادی و امنیتی خارج از چارچوب‌های تحت سلطه غرب را فراهم می‌کنند و به کشورها اجازه می‌دهند وابستگی خود را به نظام مالی مبتنی بر دلار کاهش دهند.

برای ایران، این یک فرصت راهبردی است که کاهش اثر تحریم‌ها، گسترش همکاری را با اقتصادهای بزرگ و تبدیل شدن به بخشی از معماری جدید قدرت در جهان شود.

■ ایران؛ پل ژئوپلیتیک در قلب اوراسیا

جغرافیای ایران آن را به یکی از مهم‌ترین مسیرهای اتصال شرق و غرب تبدیل کرده است. طرح‌های بزرگ ترانزیتی و انرژی بدون عبور از ایران، با محدودیت‌های جدی مواجه می‌شوند. این موقعیت، در صورت بهره‌برداری صحیح می‌تواند ایران را به یکی از گره‌های اصلی اقتصاد منطقه‌ای و جهانی تبدیل کند.

با وجود همه این ظرفیت‌ها، زمان عامل تعیین‌کننده است. بازه پیش از دیدار یکن و اندکی پس از آن، یک فرصت محدود برای اثرگذاری بر روند‌هاست. اگر ایران بتواند در این بازه، ابتکار عمل را در دست بگیرد، ممکن است توافقات میان آمریکا و چین منافع تهران را به‌خوبی در نظر بگیرد.

در چنین شرایطی، دیپلماسی ایران باید بر این چند محور متمرکز شود: تعامل فعال با چین و روسیه، ارائه طرح‌های عملی برای ثبات هرمز و تبدیل همکاری‌های اقتصادی به پروژه‌های بلندمدت توسعه‌ای.

در تحریم علیه ایران مجوز عبور کشتی‌های آن کشور از تنگه را

لغو خواهد کرد. به این ترتیب مدیریت مقتدرانه تنگه هرمز نه تنها می‌تواند به منبع درآمد جمهوری اسلامی تبدیل شود، بلکه ابزار بسیار مؤثری برای لغو تحریم‌های ظالمانه علیه ایران خواهد بود. البته این امتیاز بزرگ خدادادی (تسلط بر تنگه هرمز) تنها اهرم ایران نیست. انسجام رو به گسترش ملی و حضور ممتد مردم در خیابان‌ها و تداوم قوت نیروی نظامی در کنار مرزهای گسترده زمینی و دریایی و سایر تحولات جهانی از جمله مخالفت کشورهای هم‌پیمان آمریکا در مشارکت با حمله به ایران، دست دشمن را از اعمال فشار تحریم کوتاه کرده است و نباید فریب رُست‌های آن را خورَد.

■ یادداشت

مختار شیخ حسینی کارشناس مسائل سیاسی

پیش‌فرض(قطعی و غیرقابل خدشه) در نگاه تحلیلگران و سیاست‌گذاران این کشورها شده بود، با جنگ رمضان، این انگاره، ترک برداشته و

به‌تدریج صدای نخبگانی در این کشورها شنیده می‌شود که پایگاه‌های امنیت بخش سابق را دلیلی برای حمله ایران و ایجاد ناامنی در این کشورها می‌دانند.

صحت‌های دکتر فیصل ابوصلیب، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه کویت و مولف کتاب «السیاسه الخارجیه الامیرکیه تجاه منطقه الخلیج، و المحافظون الجدد» که در رسانه‌های منطقه رویکرد ضدایرانی را ترویج می‌کند، نمونه‌ای از این تغییر باتاکید بر گزاره‌های ذیل است:

- این‌جنگ نقطه مهمی برای تجدیدنظر در مناسبات کشورهای خلیج فارس با آمریکاست.
- آیا با وجود امکانات نظامی خریداری شده توسط کشورهای خلیج فارس، نیازی به حضور آمریکا در این منطقه وجود دارد؟
- آیا باید به تعطیلی پایگاه‌ها یا راهکار جایگزین اندیشید؟
- پس‌اجنگ همراه پرسش‌هایی خواهد بود که ضرورت وجود پایگاه‌ها را زیر سؤال می‌برد.

صدای تجدیدنظرطلب نسبت به تداوم پایگاه‌های آمریکایی در کویت و کشورهای منطقه، نشان از ترک برداشتن انگاره‌ای دارد که تا پیش از جنگ «پیش‌فرض» تلقی می‌شد و اکنون فقط در حد «فرضیه» (امر قابل تردید) مطرح است.

فرور یختن اعتماد اعراب به آمریکا

یکی از انگاره‌های ترک برداشته در فضای نخبگانی کشورهای خلیج فارس پس از جنگ رمضان، تردید در قابل اعتماد بودن آمریکاست. نگاه تحقیرآمیز ترامپ نسبت به این کشورها، به تدریج اعتراض نخبگانی در کویت و سایر کشورها را به دنبال داشته است.

صحت‌های دکتر عبدالله الشایجی، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه کویت، کارشناس ارشد مسائل آمریکا و مشاور سابق مجلس کویت، دیدگاه طیفی از نخبگان را روایت می‌کند:

- آمریکا ما را وارد یک جنگ غیر ضروری کرد؛ جنگی که برنامه‌ریزی درستی نداشت. با ما هماهنگ نشده بود، بااروپا هماهنگ نشده بود.
- وقتی آمریکا با تکبر و از بالا به پایین به‌صورت تحقیرآمیز با هم‌پیمانانی مثل ناتو صحبت می‌کند، دیگر تکلیف ما روشن است.
- ترامپ اصلاً قابل اعتماد نیست و باید از او دوری کنیم و تلاش کنیم بدون تحریک او دوره‌اش تمام شود.

پیش‌فرضی که فرضیه شد

انگاره امنیت‌بخش بودن پایگاه‌های آمریکایی برای کشورهای حوزه خلیج فارس -با توجه به هزینه سالانه این کشورها برای خرید تسلیحات از آمریکا- در دهه‌های اخیر تبدیل به امری